

پسماند» یا شاخص هویت فرهنگی

مهندس حسین اکبری

مدیر عامل شرکت کاسپین کوهدشت



دوباره مورد مصرف قرار می‌گرفته‌اند و ضایعات نهایی، خوراک حیوانات را تشکیل می‌دهد. مثلا در ایران، میوه‌های مازاد به‌صورت مربا، ترشی، لواشک و امثالهم در می‌آمده و مواد باقی مانده از غذا به عنوان خوراک طیور یا دام‌هایی که در همه‌ی خانه‌ها وجود داشته، مصرف می‌شده است. پس نحوه‌ی عرضه‌ی کالا متناسب با نحوه‌ی مصرف آن بوده و هماهنگی بین توانایی‌های تولید و فرهنگ مصرف وجود داشته است.

پسماند خانگی و فرهنگ مصرف

اگر به کنکاش در پسماندهای خانگی یک محله بپردازید و از نزدیک مشاهده کنید که چه چیزهایی را چگونه مصرف کرده‌اند و باقی مانده‌ی آن‌ها چه کیفیتی دارد و حجم پسماند چقدر است، با شگفتی تمام در خواهید یافت که از ثبت مشاهدات توانسته‌اید به نوع فرهنگ مصرف آن محله دست یابید. در حالی که اگر از روش‌های دیگر قصد شناسایی این موارد را داشته باشید، باید انرژی و سرمایه‌ی بسیار زیادی را مصرف می‌کردید.

ویژگی‌های پسماند، جلوه‌ای از فرهنگ مصرفی یک جامعه است که بخش مهمی از فرهنگ یک جامعه را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توانیم بگوییم فرهنگ یک جامعه در ارتباط تنگاتنگ با فرهنگ مصرف آن می‌باشد و کیفیت و کمیت پسماند تابعی از فرهنگ آن جامعه است و نمی‌توان به صورت یک بعدی به تغییر در کمیت و کیفیت پسماند پرداخت. هر جامعه تنها بر اساس فرهنگ خود می‌تواند فرهنگ مصرف را تعیین کند و به‌طور کلی نمی‌تواند یک فرهنگ مصرفی خاص را برای جوامع مختلف تجویز نمود. به‌طور خاص، جوامع کمتر توسعه یافته

پسماند دغدغه‌ی مهم جوامع انسانی پسماند، بخشی از محصولات است که مورد مصرف قرار نمی‌گیرد و در حال حاضر انباشت و نگهداری آن‌ها به معضلی در جوامع تبدیل شده است. آسیب‌هایی که پسماند به محیط زیست وارد می‌کند و هزینه‌های سرسام آور جمع‌آوری زباله، به دغدغه‌ی مهمی تبدیل شده است. در کشورهای پیشرفته، کیفیت و کمیت زباله‌ها به گونه‌ای است که با آسیب کمتری نسبت به دیگر جوامع؛ جمع‌آوری و نگهداری می‌شوند. براساس تعریف علمی، پسماند شامل مواد به‌کار رفته در بسته بندی و اجزایی از محصولات هستند که برای ما قابل استفاده نمی‌باشند.

اگر بخشی از محصولی که مورد مصرف مستقیم قرار نمی‌گیرد در جای دیگر مصرف شود، پسماند محسوب نمی‌شود و در چرخه‌ی بازیافت قرار می‌گیرد. در پسماند خانگی این‌گونه زباله‌ها نقشی بسیار مهم دارند و به بهبود شرایط زندگی کمک می‌کنند. در این مقاله به بررسی پسماندهای خانگی و چگونگی مدیریت آن خواهیم پرداخت:

تاریخچه‌ی مدیریت پسماند

در زمان‌های نه چندان دور، پسماند دغدغه‌ی مهمی در زندگی بشر نبود. به‌ویژه در مناطق روستایی که بیشترین تمرکز جمعیت آن روزگار را داشته‌اند محصولات و به‌ویژه مواد غذایی، یا مورد مصرف مستقیم خانوار بوده و یا با تبدیل آن به اشکال دیگر



شاخص‌های دیگر است و بنابراین نمی‌توان به سادگی برنامه‌ی اصلاحات در نحوه‌ی مصرف را به انجام رساند و بدون در نظر گرفتن این عوامل به ارتقاء مدیریت پسماند دست یافت.

استانداردهای زندگی در جوامع شهری

در جوامع مدرن امروز، حضور در هر بخش از سکونت‌گاه‌های انسانی، منوط به پذیرش قوانین موجود در آن جامعه است و بسترهای موجود در اجتماع؛ امکان شکل‌یابی زیر مجموعه‌های متناسب با خود را به‌وجود می‌آورند.

به عنوان مثال در بسیاری از جوامع عرضه‌ی میوه به صورت درهم و مخلوطی از محصولات مرغوب و نامرغوب ممکن نیست و عرضه‌ی این‌چنینی محصولات، فرهنگی شفاف را برای فروشندگان و تهیه‌کنندگان بوجود می‌آورد که به شدت در تقابل با فرهنگی است که مجبوراست مصرف‌کننده را به

نمی‌تواند فرهنگ مصرف جوامع پیشرفته را داشته باشند.

زیرا اگر کسانی که در جوامع کمتر توسعه یافته، مسئولیت ارتقاء فرهنگ مصرف و مدیریت پسماند را بر عهده دارند بدون آنکه ملزومات توسعه‌ی کلی جامعه را بپذیرند و محدودیت‌های موجود در نحوه‌ی تولید و مصرف را در نظر نگیرند عملاً درین‌بست قرار گرفته و دچار خطای بزرگی می‌شوند- همان‌گونه که هم اینک مدیریت شهری تهران دچار این اشتباه است- زیرا همان‌گونه که اشاره شد فرهنگ مصرف، بخشی از فرهنگ عمومی است و هرگونه تغییردر ارکان هر یک موجب تغییر در دیگری خواهد بود.

پس باید تغییر در فرهنگ مصرف هم‌زمان با تغییر در ارکان عمومی جامعه باشد. ارکان اجتماع شامل بخش‌های مهمی مانند میزان مشارکت واقعی مردم، تبعیت از قانون، میزان درآمد ملی و بسیاری از



نمی‌شود و با جدا سازی آن‌ها، هم میزان پسماند از زباله‌های خانوار کاسته می‌شود و هم بخش‌های جدا شده‌ی گوشت به مصرف خوراک جهت پرورش آبزیان و یا نظایر آن‌ها می‌رسند .
ارتباط تکنولوژی تولید و بسته بندی با فرهنگ مصرف

جهت ارتقاء سطح کیفی محصولات غذایی باید به دانش عمیقی از آن‌ها دست یابیم و بتوانیم شرایط نگهداری آن‌ها را تعیین نموده، سپس با طراحی ماشین آلات در مسیر حفظ کیفیت آن‌ها گام برداریم .

به عنوان مثال پوست خیار به شدت مستعد رشد باکتری است و هنگامی که در معرض رطوبت و هوا قرار گیرد، باکتری‌ها رشد کرده و موجب تخریب میوه می‌شوند. پس باید با پوشش هر عدد خیار، امکان تماس آن با هوا را از بین ببریم و در جهت کاهش هزینه‌ها، با تولید خیارهایی با طول عمر چند

گونه ای بفریبید که متوجه میوه‌ی نامناسب نشود و یا به مصرف آن ترغیب شود.

جدا سازی پسماند در مبدأ

کشورهای در حال رشد برای کنترل پسماند، جداسازی از مبدأ را به معنی جداسازی زباله‌ها در محل مصرف کننده می‌دانند و افراد تشویق می‌شوند با تفکیک زباله‌ها در چند زباله‌دان مختلف ، جمع آوری آن را تسهیل کنند در حالی که پیش از آن باید در مبدأ تولید، محصول بر مبنای فرهنگ مصرفی اجتماع به گونه ای تولید گردد که در زمان مصرف، بخش کمی از آن مصرف نشود. به ویژه در مورد زباله‌های ارگانیک - زباله‌های تر - به هر میزان که زباله‌ی تر در پسماند کمتر باشد امکان جداسازی زباله‌ها بیشتر می‌شود و این خود، نشان از توسعه یافتگی آن اجتماع است.

به عنوان مثال در کشتارگاه‌های حیوانات، می‌دانند که چه قسمت‌هایی از گوشت حیوان در ایران مصرف



بخشی در همان محل، با ایجاد صنایع واسطه، به مواد اولیه‌ی کارخانه‌های تولید مواد غذایی تبدیل شود و در نتیجه؛ بخش عمده‌ی محصولات را از ورود به چرخه‌ی پسماند باز دارند.

به عنوان مثال باید میوه‌های غیر قابل فروش بر اساس نیاز واحدهای تولید آمیوه و کنسانتره، در مخازن بزرگ آب گیری شده؛ به کارخانه‌های مزبور ارسال شوند. میوه‌های سالم با سایز نامطلوب نیز به کارخانجات تولید ترشی و مربا و امثال آن فرستاده شوند. سبزیجات با حذف زوائد، ریشه و گل بصورت تقریباً پاک شده به مراکز بسته بندی ارسال شده یا در همان محل بسته بندی شوند. **زوائد سبزیجات و دیگر ضایعات، جهت تولید کود ارگانیک راهی مراکز کمپوست شوند.** در چنین حالتی و با کاهش چشمگیر پسماند، مصرف کننده تشویق می‌شود پسماندهای عمدتاً خشک را به راحتی جدا سازی نماید، هزینه‌های جمع آوری به حداقل رسیده و تهدیدات زیست محیطی از بین بروند.

مسئولین شهری باید با پذیرش فواید اداری مدرن شهر، در یکی از شهرها به صورت آزمایشی، استاندارد عرضه‌ی برخی از محصولات را اجباری کرده، تولید کنندگان را وادار سازند که فقط با رعایت این ضوابط؛ محصولات خود را بفروشند و بعداً این رویه را به شهرهای دیگر تعمیم دهند.

هیچ کشاورزی نباید اجازه داشته باشد محصولات خویش را به صورت مستقیم عرضه کند. محصولات کشاورزی باید فقط تحت برند شرکت‌های تعاونی و با رعایت استانداردها عرضه شوند. در این حالت عملاً کشاورزان مجبور می‌شوند دانش زراعی را به کار بسته، فروشندگان عمده نیز با اعتماد به مندرجات بسته بندی به توزیع محصولات به خرده فروشان بپردازند.

اثرات اجتماعی مراکز بسته بندی

اگر مراکز بسته بندی با سرمایه‌ی همه‌ی کشاورزان

برابر نوع سنتی آن، هزینه‌ی بسته بندی را مقرون به صرفه نماییم وامکان عملی بسته بندی مناسب را به وجود آوریم. بسته بندی مناسب یعنی قرار دادن محصولات در وضعیتی که بیشترین عمر مفید بدون کاهش کیفیت را به وجود آورد.

راهکار پیشنهادی برای مدیران شهری

بر مبنای توضیحات ارائه شده باید گام اول در مبدأ تولید برداشته شود. از آن جا که بسیاری از محصولات غذایی به نوعی به محصولات زراعی و باغی مربوط می‌شوند، باید نقطه‌ی آغاز در مجاورت این مراکز باشد و مسئولین شهری با پیوند با دانشگاه‌ها از آن‌ها بخواهند در طراحی شهر مسؤول و در واقع شهروشمند همکاری نمایند.

باید استاندارد عرضه‌ی محصول تبیین شود و فروشگاه‌ها فقط بر اساس آن استانداردها حق عرضه‌ی محصول را داشته باشند. همان گونه که کسی حق ندارد در ملک خود هر طور که دلش می‌خواهد ساخت و ساز کند و باید با رعایت استانداردهای ساخت مسکن پیش رود، باید استانداردهای عرضه‌ی محصولات را نیز رعایت کند و حلقه‌ی مفقوده‌ی کاهش پسماند به وجود آید.

طراحی مجتمع‌های آماده سازی محصولات باغی و زراعی

آنچه امروزه جامعه‌ی تولیدکنندگان محصولات کشاورزی ایران بدان احتیاج دارند، این است که شرکت‌های تعاونی روستایی با ایجاد مراکزی در حد فاصل چند روستا و یا چند شهر و یا حداقل در مراکز استان‌ها، تمامی محصولات کشاورزی را تحویل بگیرند و با استفاده از ماشین آلات پیشرفته میوه‌ها را جداسازی نمایند و به اصطلاح سورت نمایند. بخشی برای فروش مستقیم بسته بندی شود و با برند همان مرکز به مراکز فروش ارسال گردد و

ارسال محصولات کشاورزی به مراکز بسته بندی به وجود آید در آن صورت در یک رقابت طبیعی، تمام عوامل تولید از شرکت‌های تولید بذر، زارعین، شرکت‌های بازرسی و دیگر عوامل در سطح ملی اقدام به افزایش راندمان تولید خواهند کرد.

باید تمامی این زنجیره فقط با دخالت بخش خصوصی صورت پذیرد تا با گره خوردن منافع تولید کنندگان و مصرف کنندگان، هدف نهایی حاصل شود و در جهت تحقق این مهم فقط یک راه حل وجود دارد. دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی با مشارکت در منافع این مراکز، وظیفه‌ی طراحی و نظارت بر تعیین استانداردها و اجرای آن‌ها را برعهده گیرند. زیرا متأسفانه جامعه‌ی تولیدکنندگان محصولات زراعی از تکنولوژی‌های مدرن، بسیار عقب مانده اند. این فاصله در محصولات باغی کمتر است اما همچنان نیاز به پیشرفت دارند.

منطقه ایجاد شود، کشاورزان مطمئن می‌شوند دسترنج آن‌ها از دستشان خارج نمی‌شود و دستاورد مهم آن ایجاد اشتغال در روستاهاست.

در ادامه، با ورود نیروهای متخصص، توسعه‌ی پایدار در روستاها به وجود می‌آید. در بحث کلان اگر این مراکز بخواهند صنایع تبدیلی را راه اندازی کنند در بسیاری از مواقع از نظر کاهش هزینه‌های ناشی از حمل و نقل، مزیت نسبی خواهند داشت و موجب توسعه‌ی بنگاه‌های کوچک در روستاها شده و روستاها به تدریج به شهرک‌های ثروتمند و آباد تبدیل می‌شوند.

نتیجه گیری

سیاست‌های کنترلی در مدیریت پسماندهای خانگی، مواد غذایی و کشاورزی باید به گونه ای اتخاذ گردند که محصولات با کمترین باقی مانده‌ی غیر قابل مصرف به دست مصرف کننده برسند. در این راستا اگر قانونی برای اجبار در استاندارد

